

## طراحی الگوی برنامه درسی تربیت شهروندی برای دانش آموزان دوره راهنمایی

### تحصیلی<sup>۱</sup>

دکتر محمدجواد کرم افروز\*

دکتر علی شریعتمداری\*\*

دکتر مریم سیف نراقی\*\*\*

### چکیده

تحقیق حاضر که در پی ارائه الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت شهروندی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی است، از نوع کاربردی و با روش توصیفی انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق، تفکرات و اندیشه های صاحب نظران درباره تربیت شهروندی و برنامه درسی است که در قالب کتب، اسناد، مقالات، مجلات، متون و سایت های اینترنتی در کشور های پیشرو در زمینه تربیت شهروندی مطرح شده و نگارنده با مراجعه به این جامعه آماری نمونه های مرتبط را به صورت عمدی گزینش نموده و با بررسی و تلخیص و نتیجه گیری از آن ها، مبادرت به معرفی مبانی نظری این برنامه درسی و عناصر آن (اهداف، محتوی، روش ها، شیوه های سازمان دهی و ارزشیابی) نموده است. نتایج به دست آمده بدین صورت مطرح شده که اهداف و محتوای برنامه مورد نظر در قالب عملکردی و در بستر فعالیت های اجتماعی و مسئله محور برای شاگردان معرفی شده است. شیوه های سازمان دهی برنامه مذکور از نوع تلفیقی و رویکردهای مرتبط با در هم تنیدگی مطرح شده است. روش های تدریس مورد استناد واقع شده عبارتند از: روش های تعاملی، مشارکتی، حل مسئله، ایفای نقش و ... روش های ارزشیابی نیز عمدتاً معطوف به روش های اندازه گیری بازده های عاطفی و روانی حرکتی است. در زمینه مبانی فلسفی به فلسفه پراگماتیسم و اگزیستانسیالیسم استناد شده. مبانی روانشناختی، خصوصیات مربوط به رشد نوجوانی و تئوری های یادگیری اجتماعی و ساختارگرایی مطرح شده اند. در زمینه تئوری های برنامه درسی، دیدگاه اجتماعی و رویکرد فرعی آن رشد شخصی، بازسازی اجتماعی و .... مورد استناد واقع شده اند.

**واژه های کلیدی:** الگوی شهروندی، الگوی برنامه درسی تربیت شهروندی، عناصر برنامه درسی و تربیت شهروندی.

---

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری با همین عنوان است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات انجام شده است.

\* دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه  
Email: Mjkaramafrooz@yahoo.com

\*\* استاد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم

\*\*\* استاد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی

## مقدمه

زندگی در جامعه امروز از ویژگی های خاص خود برخوردار است؛ از آن جمله ارتقای روابط بین فردی و تعاملات است تا هر فرد با دقت و ظرافت خاصی در زندگی همراه با تفاهم به تعامل با دیگر افراد پردازد و موجبات پیشرفت و ارتقای جامعه را فراهم سازد. این چنین فرایندی از طریق آموزش شهروندان امکان پذیر است. به نظر مارشال، شهروندی پایگاهی است که به تمامی افراد که عضو تمام عیار اجتماع خود هستند، داده شده است. این افراد همگی دارای جایگاه، حقوق و وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند و حقوق و وظایف شهروندی به موجب قانون، تثبیت و حمایت می شود (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰).

شهروندی ایده ای دو جانبه است که از یک طرف در بردارنده حقوق و از طرف دیگر تعهدات شهروندان است. فالکس، ۱۳۸۱ در این باره می نویسد: «شهروندی همواره یک ایده دو جانبه و بنابراین ایده ای اجتماعی است.» این ایده نمی تواند صرفاً مجموعه حقوقی باشد که فرد را از تعهد به دیگران رها کند.

دیدگاه های متنوع و متعددی در خصوص تربیت شهروندی وجود دارد و در یک بررسی تاریخی به دو رویکرد بر می خوریم: یکی رویکرد سنتی است که شهروند عمدتاً نقش منفعل را داراست. وی طی جریان جامعه پذیری توسط نهادهای تربیتی و خانواده به سوی وفاداری به کشور و دولت ترغیب می شود. در این دیدگاه یک شهروند خوب کسی است که از قانون حمایت کند، در انتخابات رای دهد، در مورد تاریخ کشور خود اطلاعاتی داشته باشد و مسائل سیاسی را دنبال کند (ملور، ۲۰۰۳، به نقل از واحد).

رویکرد دیگر رویکرد فعال است؛ این رویکرد در صدد مشارکت جویی در اصلاح جامعه در سطح ملی، محلی و حتی جهانی است. در این رویکرد هر کس حق دارد عقایدش را آزادانه بیان کند و دیدگاه های خود را در قالب چهارچوب هایی ارائه و پیگیری نماید. این رویکرد، تأکید بر پرورش شهروندانی دارد که فعالانه در جهت بهبود جامعه، کشور و دنیا مشارکت کنند. تفکر انتقادی، اصل مهم دیگری است که یک شهروند در جامعه دموکراتیک و متکثر بایستی دارا باشد و نظام آموزشی باید به این مهم عمل کند. در رویکرد فعال، هنگامی یک بزرگسال یک شهروند خوب در نظر گرفته می شود که:

- در فعالیت هایی که در جهت نفع عموم است مشارکت جوید. نسبت به مباحث سیاسی حساس بوده و احساس تعهد کند.

- در ابتکارات و نوآوری هایی که از محیط زندگی حمایت می کند، مشارکت جوید.

- در فعالیت هایی که به منظور ارتقای حقوق بشر است، شرکت کند.  
 - در قبال قوانینی که معتقد است عادلانه نیست، به صورت منتقدانه برخورد کند.  
 یک جامعه سیاسی سالم به شهروندان فعال نیاز دارد؛ زیرا که اصلاحات سیاسی باید به هدف بهبود فرصت‌های شهروندان برای اعمال حقوق و وظایفشان به وسیله ترویج یک اخلاق مشارکت صورت گیرد. تنها از طریق اعمال فعالانه شهروندی است که تقابل کاذب میان حقوق و مسئولیت‌ها را می‌توان از بین برد (صرافی، ۱۳۸۴).

بنا به گفته مارشال، شهروندی، ظرفیت و شایستگی عضویت در یک جامعه است. «شهروندی منزلتی اعطا شده به آن هایی است که اعضای کامل یک اجتماع هستند، نسبت به حقوق و وظایفی که این منزلت به آن‌ها بخشیده، برابرند» (مارشال، به نقل از ترنر و هملیتون ۱۹۹۴).

در زمینه تربیت شهروندی دیدگاه‌های متنوعی وجود دارد. برخی این آموزش را به صورت مستقیم از طریق برنامه‌های درسی مورد تأکید قرار می‌دهند که یکی از انواع آن آموزش از طریق برنامه‌های درسی مجزا است و در قالب درس ویژه‌ای مورد نظر قرار گرفته (مایرز و مایرز<sup>۱</sup> ۱۹۹۱ به نقل از فتحی). برخی دیگر آن را به صورت در هم تنیده یعنی تلفیق مباحث شهروندی با دروس مرتبط مورد تأکید قرار می‌دهند (لی<sup>۲</sup> ۱۹۹۹، به نقل از همان منبع).

بررسی‌های بعمل آمده نشان می‌دهد که آموزش شهروندی ضرورتی انکار ناپذیر برای جامعه امروز است که کشورها باید به این امر مهم اقدام نمایند. تأکید بر کلاس هایی که موضوعات آن برگرفته از مسائل جاری جامعه است و تدوین برنامه‌هایی با رویکرد تلفیقی و کل نگر، تأکید بر مشخصات این نوع از برنامه است که در بردارنده آموزش شهروندی از ابعاد مختلف دانشی، نگرشی و توانشی است که هر فرد به تناسب شرایط، مهارت های لازم را با توجه به تجارب و موقعیت‌های عملی یادگیری فراگرفته تا به ایده دو جانبه حق و تکلیف پاسخ مناسب و در خور دهد. بررسی ها نشان می‌دهند که مهارت های زندگی از آن جمله تربیت شهروندی از حداقل مورد انتظار (۶۰٪) کمتر بوده است (کیامنش ۱۳۷۹).

گزارش دیگری از تحقیقات خارج از کشور نیز مشابه تحقیقات گامبو<sup>۳</sup> نشان می‌دهد که والدین، از عدم توجه به آموزش متوسطه به مهارت های زندگی دانش آموزان گله مند بوده اند (گامبو ۲۰۰۰). بنابراین تحقیق حاضر در پی آن است که ویژگی های یک برنامه درسی تربیت

1 - Mayers &amp; Mayers

2 - Lee

3- Gumbo

شهروندی را در قالب الگویی پیشنهاد دهد که شامل مباحثی نظری و عناصر این برنامه می باشد.

### اهداف پژوهش

#### هدف کلی:

هدف از این تحقیق، طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت شهروندی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی ایرانی.

#### اهداف ویژه:

- ۱- معرفی نظریات و تئوری‌های برنامه درسی مرتبط با تربیت شهروندی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی
- ۲- تبیین مبانی فلسفی، اجتماعی و روانشناختی برنامه درسی تربیت شهروندی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی
- ۳- پیشنهاد و ارائه عناصر برنامه درسی تربیت شهروندی
  - الف- هدف و محتوی
  - ب- روش های تدریس
  - ج- الگوهای سازمان دهی
  - د- روش های ارزشیابی

#### روش تحقیق

از آنجا که هدف از این تحقیق ارائه یک مدل برنامه درسی تربیت شهروندی است و در حقیقت نگارنده در صدد توصیف ویژگی های یک برنامه درسی با رویکرد تربیت شهروندی است؛ بنابراین روش مورد نظر از نوع توصیفی است، زیرا در تحقیق حاضر، متون، کتب، نشریات، اسناد، مدارک و سایت های اینترنتی مورد بررسی قرار گرفته تا اطلاعات مورد نظر گرد آوری گردد و مبانی و عناصر این نوع برنامه درسی را با توجه به دیدگاه هایی را که در این خصوص مطرح شده است، توصیف و ثبت نماید. مباحث مورد استناد عبارتند از: شهروندی، جامعه مدنی، خصوصیات آن، مبانی نظری شهروندی، سپس موضوعات مرتبط، تربیت

شهروندی، مصادیق و مؤلفه های آن و مبانی نظری برنامه درسی تربیت شهروندی، مبانی فلسفی، اجتماعی و بالاخره، عناصر برنامه درسی مورد نظر بررسی و توصیف شده اند.

### جامعه آماری، نمونه

جامعه آماری در تحقیق حاضر به صورت رایج آن مورد توجه نیست، بنابراین جهت استخراج داده ها در زمینه مبانی برنامه درسی و تئوری های مرتبط و عناصر برنامه درسی در الگوی پیشنهادی، جامعه آماری عبارت است از مجموع افکار اندیشمندان و متخصصانی که در حوزه تربیت شهروندی و برنامه درسی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم اظهار نظر کرده اند که این افکار در قالب مقالات، کتب، اسناد، مجلات، پایان نامه ها و سایت های اینترنتی در کشورهای پیشرو، نمود داشته است و نمونه مورد نظر از این مجموعه در زمینه روانشناسی، جامعه شناسی، فلسفه تعلیم و تربیت و تئوری های برنامه درسی (اعم از داخلی و خارجی) به صورت عمدی گزینش شده است.

### روش و ابزار جمع آوری داده ها

برای جمع آوری داده های مورد نیاز مربوط به تحقیق حاضر، با توجه به ماهیت نظری بودن آن اطلاعات لازم در چارچوب موضوع، از اسناد و مدارک در دسترس از جامعه آماری (داخلی و خارجی) در خصوص ویژگی های برنامه درسی فیش برداری شده است و داده های مورد نظر، تجزیه، تحلیل، طبقه بندی و مورد تفسیر و استنتاج قرار گرفته اند.

### یافته ها

بر اساس سؤالات و اهداف تحقیق حاضر، یافته های مورد نظر جهت طراحی الگوی برنامه درسی تربیت شهروندی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی که برگرفته از متون تخصصی، نشریات، مجلات، اینترنت و ... ذکر شده به شرح زیر می باشد.

### بررسی هدف ویژه اول تحقیق

۱- معرفی نظریات و تئوری های برنامه درسی مرتبط با تربیت شهروندی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی.

می توان گفت تئوری های مرتبط عبارتند از: دیدگاه اجتماعی و دو رویکرد فرعی آن از جمله: شهروندی دموکراتیک و بازسازی اجتماعی و همچنین دیدگاه دیگر که انسانگرایانه است. دیدگاه اجتماعی بر کارکرد مدارس به عنوان مسئولیت انتقال وجود اجتماعی به دانش آموزان تأکید دارد (میلر<sup>۱</sup> ۱۳۸۳).

#### الف. دیدگاه شهروند دموکراتیک

این دیدگاه نیز توجه خود را به رشد آگاهی های مربوط به فرآیند دموکراتیک و برخی مهارت های شناختی از قبیل تفکر انتقادی، تحلیل ارزش ها و مهارت های فرآیند گروهی دارد. شأن و منزلت فرد، حاکمیت بر سرنوشت خود، هوش، کثرت گرایی و اجتماع، جزء مفاهیم اساسی آن به شمار می آیند (همان منبع).

#### ب. دیدگاه بازسازی اجتماعی

جورج کونتز یکی از برجسته ترین سخنگویان این دیدگاه در قرن حاضر است که مدرسه را عامل تغییر اجتماعی می داند. او اعتقاد داشت که معلمان باید به شکل فعال درگیر تغییر اجتماعی شوند (فتحی ۱۳۸۳).

برنامه درسی بر اساس این دیدگاه باید در خدمت تغییر و تحول در نیازها و مسائل اجتماع حاضر باشد. بنابراین وظیفه اساسی تعلیم و تربیت و برنامه درسی آن است که دانش آموزانی پرورش دهد که با شناسایی مسائل و مشکلات اجتماعی، سعی در تغییر آن داشته باشند (همان منبع).

با استناد به مطالب فوق، برنامه درسی تربیت شهروندی، نیز چنین وظیفه خطیری بر عهده دارد؛ یعنی آماده سازی دانش آموزان برای اجتماع و تغییر و تحول آن.

#### ج. دیدگاه انسان گرایانه

انسان گرایی به هر گونه نظام فکری یا عملی گفته می شود که بر طبیعت، شأن، علائق و آرمان های انسانی مبتنی است (شعاری نژاد ۱۳۸۴).

انسان گرایی عملی چند ویژگی دارد:

- الف- احترام به دانش جدید
- ب - آزادی انسان و همکاری آگاهانه
- ج - تأکید بر روی ارزش هر شخص
- د - توجه خاص به مسئله ارزش ها

نکات فوق الذکر به طور کلی با موضوع تربیت شهروندی مرتبط هستند؛ چرا که یک شهروند باید: نسبت به جامعه از دانش و آگاهی برخوردار باشد، آزادانه در سطوح مختلف اجتماع مشارکت نماید. به رفتاری مبتنی بر اخلاق و ارزش عمل نماید- با مشکلات به عنوان عضوی از جامعه مدنی مواجهه و برخورد داشته باشد (وستایمر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳).

**بررسی هدف ویژه دوم تحقیق:** تعیین مبانی روان شناختی، فلسفی و اجتماعی برنامه درسی تربیت شهروندی برای دانش آموزان دوره راهنمایی.

### ۲/۱ مبانی روان شناختی

مبانی روان شناختی در بر دارنده مطالعه و بررسی ویژگی ها، نیاز ها و علایق دانش آموزان و همچنین فرایندهای یادگیری دارد.

#### الف - ویژگی ها و نیاز ها و خصوصیات رشد دانش آموزان مقطع راهنمایی

ویژگی ها، نیازها و مشخصات فرد در سنین ۱۴-۱۱ سالگی که مصادف با دوره راهنمایی است، در تحقیق حاضر به تفصیل به هر جنبه از رشد فراگیران و مشخصات آن ها استناد شده است. در اینجا جهت جلوگیری از اطاله کلام از ذکر آن ها خود داری می شود. در زمینه فرآیندهای یادگیری به چند تئوری مرتبط اشاره شده که ذیلاً مورد بررسی قرار می گیرند.

#### ب- نظریه ساخت گرائی

در این دیدگاه یادگیرندگان بر اساس تجارب شخصی خود، دانش و مهارت ها را می سازند و این کار را به طور فعال انجام می دهند و می توان گفت که بر نقش فعال یادگیرنده از درک و فهم و معنی بخشیدن به اطلاعات تأکید می کند (سیف، ۱۳۸۰).

این نظریه، جهان خارج را نفی نمی کند، ولی دانش فرد را از جهان، برگرفته از تجارب خود او می داند (فردانش، ۱۳۷۷).

این نظریه تاکید دارد که آموزش باید یادگیری شاگردان را در زمینه‌های واقعی و در تجارب اجتماعی آن قرار دهد (همان منبع).

به دلیل آن که هدف آموزش شهروندی، آماده کردن شاگردان برای ایفای نقش در محیط واقعی زندگی است و در بردارنده مباحث نظری (دانش شهروندی) و مهارت‌ها است (توانش و البته با تاکید بر نگرش‌ها)؛ بنابراین باید با استناد به نظریه ساخت‌گرایی و تاکید بر این که کلاس درس باید آینه جامع و آزمایشگاه زندگی واقعی باشد (شریعتمداری، ۱۳۸۲). و خود آن‌ها مهارت‌ها و دانش خود را بسازند؛ از این رو مهارت‌های شهروندی در بستری ساخت‌گرایانه در دانش‌آموزان شکل می‌گیرد.

### ج - مراحل اساسی تفکر

مراحل اساسی تفکر یا شیوه حل مسأله، نه تنها در درک معلومات به فرد کمک می‌کند، بلکه در ایجاد و رشد ویژگی‌های تربیتی در آن‌ها مؤثر است (شریعتمداری ۱۳۸۴).

آموزش باید با شرایط فعالیت جمعی سازگار باشد، شیوه آموزش باید افراد را وادار کند که وارد جریان‌های اجتماعی مانند سازگاری، مخالفت، همکاری، توافق و تبادل نظر شوند، شیوه حل مسأله چنین امکانی فراهم می‌کند. این روش تابع مراحل است از جمله:

۱- برخورد با موقعیت نامعین

۲- تحلیل موقعیت مسأله ای

۳- جمع‌آوری اطلاعات

۴- تدوین فرضیه

۵- انتخاب و بررسی فرضیه (همان منبع).

با استناد به این نظریه، آموزش مهارت‌های زندگی از آن جمله شهروندی را می‌توان به مثابه مسئله‌ای دانست که پیش‌روی شاگردان قرار دارد تا بدان وسیله وارد جریان‌های اجتماعی شوند.

### د- نظریه یادگیری اجتماعی

این رویکرد، تاکید بر یادگیری از طریق مشاهده دارد و یادگیری مورد اشاره فرایندی فعال و مبتنی بر یادگیرنده است که از طریق مشاهده رفتارهای دیگران و پیامدهای آن حاصل شده است (شعبانی ۱۳۷۸).



از صاحب نظران معروف نظریه یادگیری از طریق مشاهده باندورا<sup>۱</sup> است که این یادگیری را به چهار مرحله تقسیم می کند:

۱- مرحله توجه به رفتارهای الگو

۲- مرحله به یاد سپاری رفتارهای مشاهده شده

۳- مرحله باز آفرینی

۴- مرحله انگیزشی (همان منبع).

مراحل فوق الذکر را می توان مبنایی برای آموزش شهروندی برای دانش آموزان دوره راهنمایی دانست، چرا که الگوگیری در مهارت های شهروندی (و بخصوص در مرحله نوجوانی) نقشی اساسی ایفا می کند.

## ۲/۲ تعیین مبنای اجتماعی برنامه درسی تربیت شهروندی برای دانش آموزان دوره راهنمایی ...

مدرسه مانند سایر موسسات اجتماعی، هدف، طرز عمل، وظیفه و روش کار خود را از جامعه می گیرد، اما در عین حال اثری خاص در زندگی اجتماعی یک ملت دارد مبنای اجتماعی برنامه درسی بر آن دسته از وظایفی تاکید دارد که این وظایف را دکتر شریعتمداری، ۱۳۸۲ در کتاب جامعه و تعلیم و تربیت تحت عناوین زیر مورد توجه قرار داده است:

**وظایف مربوط به تربیت اجتماعی** - جریان های اجتماعی و تعلیم و تربیت، صلاحیت های اجتماعی و تعلیم و تربیت و ... که به نحوی مرتبط با مبحث تربیت شهروندی و وظایف مدرسه در قبال آن است. به عنوان مثال یک شهروند باید نسبت به رفاه و آسایش دیگران نگرانی داشته باشد، تنوع و تکرر آراء، را بپذیرد؛ در فعالیت های اجتماعی و مسائل مرتبط با جامعه مشارکت داشته باشد، همچنین توانایی بررسی عقاید را کسب کرده و تصمیمات معقول اتخاذ نماید، از رویدادهای جامعه محلی، ملی و جهانی آگاهی داشته باشد و ... (پریور<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹).

تمامی مؤلفه های شهروندی فوق الذکر مرتبط با وظایفی است که از مدرسه به عنوان موسسه اجتماعی انتظار می رود.

**الف- وظایف مربوط به تربیت اجتماعی شامل:** تطابق، سازگاری، وحدت دادن، متمایز ساختن جنبه های فردی و ... (شریعتمداری، ۱۳۸۴). وظایفی هستند که منطبق با زیر بنای

دیگر مهارت های شهروندی همچون مشارکت در امور جامعه، بردباری و تحمل در خصوص تنوع در جامعه، وطن پرستی، نگرانی برای آسایش دیگران و ... می باشد.

**ب- جریان های اجتماعی شامل:** سازگاری، مخالفت، همکاری، توافق، تشابه و ... نیز به نحوی با تربیت شهروندی مرتبط هستند. به طور مثال در شهروندی تاکید بر سازگاری فرد است، در مخالفت، یک شهروند بدون انکار تفاوت ها، آن ها را وسیله رشد و ترقی قرار می دهد، منطبق با سازگاری منفی مورد اشاره دکتر شریعتمداری که عبارت از صرف نظر از ادامه اعمال مغایر با زندگی اجتماعی، یک شهروند از ادامه اعمالی چون فرد گرایی، بی مسئولیتی و تضاد چشم پوشی می کند، در همکاری، فرد، فعالیت های خود را به منظور پیشبرد هدف های عمومی با دیگران متحد می کند و از کمک متقابل آن ها سود می برد (همان منبع).

در قالب تشابه- به صورت یک واحد متجانس با افراد و گروه های مختلف متحد می شود. بنابراین در جامعه مدنی مرکب از شهروندان برنامه درسی ای مورد توجه است که دانش آموزان با وجود اختلاف ها و چند صدایی بودن مسئولیت اداره جامعه را به عهده گرفته و برد بارانه با آحاد جامعه هماهنگ شوند.

**ج- مهارت های لازم جهت اجرای وظایف مدنی:** عبارت است از مهارت هایی که دانش آموزان به عنوان شهروند باید کسب کنند تا قوانین و مقررات و وظایف و مسئولیت های خود را در قبال هموعان، موسسات دولتی، منابع طبیعی و امنیت آحاد جامعه و رفاه اجتماعی به جا بیاورند (شریعتمداری، ۱۳۸۲) این مهارت ها، تأکیدی است بر مسئولیت های شهروند و تعهدات آن ها در قبال جامعه از جمله: مشارکت در امور، تقید نسبت به حفظ منابع طبیعی و امنیت دیگران (پریور، ۱۹۹۹).

**د- معلومات و مهارت های لازم جهت فهم اقوام و ملل:** عبارت است از ضرورت آشنایی افراد به وضع جغرافیایی، دینی، اقتصادی، سیاسی، خانوادگی، آداب و رسوم و ارزش ها و عقاید اقوام و ملل. همانند بعد تعلیم و تربیت جهانی یعنی مفهوم دیگر در عرصه تربیت شهروندی است که به عقیده «کنت تای» بدلیل افزایش وابستگی انسان ها به یکدیگر در دنیای کنونی تربیت شهروند جهانی مبدل به یک دل مشغولی تمام عیار در آموزش و پرورش کشورها شده است. از جمله این وظایف: دانش نسبت به جامعه، آگاهی از مسایل جهانی، شناخت کشورهای دیگر و فرهنگ آن ها- شناخت مسائل حقوق بشر- درک روابط انسان و محیط زیست است (تایاسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰).

### ۲/۳- مبانی فلسفی

برخی فلسفه های مورد استناد، اشارات مستقیم و روشنی در خصوص تربیت شهروندی ندارند؛ اما با بررسی چارچوب ها و توصیه های آن ها دو فلسفه مورد اشاره زیر به نظر نگارنده مرتبط با مبحث تربیت شهروندی استنباط شده اند.

#### الف - پراگماتیسم

مباحث مورد استناد این فلسفه عبارتند از تجربه و استخراج هدف ها از روی تجربه (شریعتمداری، ۱۳۸۴). مدرسه مقیاسی کوچک از اجتماع است و باید فعالیت های بنیادی زندگی اجتماعی را در آنجا برای کودکان فراهم نماید.

دیوئی می گوید: ساختمان اجتماعی در تجربیات فرد ظاهر می شوند؛ از این رو پراگماتیست ها با توجه به این نکته متوجه دموکراسی شده اند؛ این فلسفه همچنین هر مانعی که از سهیم شدن آحاد جامعه از علائق متنوع باشد، مانند جدایی های نژادی، مذهبی، اقتصادی و ... از سر راه بر می دارند (همان منبع).

بنابراین مؤلفه های شهروندی چون مشارکت در تجربیات اجتماعی، بردباری و تحمل در خصوص تنوع، نگرانی برای رفاه و آسایش دیگران تأکیدی بر نقطه نظرات این فلسفه می باشد.

#### ب- اگزیستانسیالیسم

این فلسفه برای پدیدار شدن مسئولیت در افراد، تأکید بر آزادی انسان و انتخاب آزادانه او دارد (شعاری نژاد، ۱۳۸۳).

آموزش و پرورش باید به گونه ای عمل کند که هر فرد خود را مسئول کیفیت زندگی خود بداند، همچنین رشد و گسترش آگاهی های فردی، خودشناسی، انتخاب آزاد و رشد مسئولیت مورد تأکید این فلسفه است (همان منبع).

**بررسی هدف ویژه سوم تحقیق: پیشنهاد عناصر برنامه درسی تربیت شهروندی**

#### الف - هدف و محتوی<sup>۱</sup>

این اهداف در قالب فعالیت شاگردان و متمرکز بر فعالیت های آنان است. در خصوص محتوی نیز می توان گفت که هم به صورت نظری (برای مباحث نظری تربیت شهروندی) و هم در قالب عملکردی برای پرداختن به فعالیت های مرتبط به صورت عینی تدوین شده است. لذا جهت گیری محتوی بیشتر در قالب فعالیت و ترکیب شده در روش ها و استراتژی های تدریس عنوان شده است.

### ب- سازمان دهی

ساختار و سازمان دهی برنامه درسی تربیت شهروندی عمدتاً با تمرکز بر شکل تلفیقی مورد توجه واقع شده است که برخی رویکردهای مرتبط این سازمان دهی ابتدا با استناد به دیدگاه جی کوبز<sup>۱</sup> معرفی می‌شوند.

۱- واحد های درسی یا درس های میان رشته ای: کوششی است جهت ایجاد وحدت میان تمام یا بخشی از مواد درسی

۲- الگوی روز تلفیق شده: در این شیوه، پرسش ها و علائق دانش آموزان به جای محتوای تجویز شده، جهت فعالیت‌های یاد گیری را تعیین می کند و شاگردان با تصمیم خود، فعالانه در برنامه مشارکت می کنند.

۳- برنامه کامل: هدف از این تلفیق که بر اساس تجارب و علائق کودکان است، تلفیق تمام و کمال میان زندگی، حیات و آنچه اتفاق می افتد، است (مهر محمدی، ۱۳۸۱).

نوع دیگر سازمان دهی پیشنهادی، اشاره ای به رویکرد های زیر است که با استناد به دیدگاه «کیس<sup>۲</sup>» می‌باشند. سه نمونه از رویکرد های او که مرتبط با تربیت شهروندی به نظر می رسد، ذیلاً عنوان می‌شود.

۱- تلفیق مهارت‌ها و فرآیندها: که حکایت از سازمان دهی برنامه درسی با محوریت مهارت‌ها و قابلیت‌های فرآیندی دارد.

۲- تلفیق مدرسه و فرد: کوششی جهت ایجاد تلفیق میان زندگی واقعی و زندگی درون نظام آموزشی است.

۳- تلفیق کل گرا: ناظر به ایجاد پیوند میان تمام اجزاء و مؤلفه های تجربیات است که دانش آموز در نظام آموزشی کسب می کند (همان منبع).

### ج - روش های تدریس

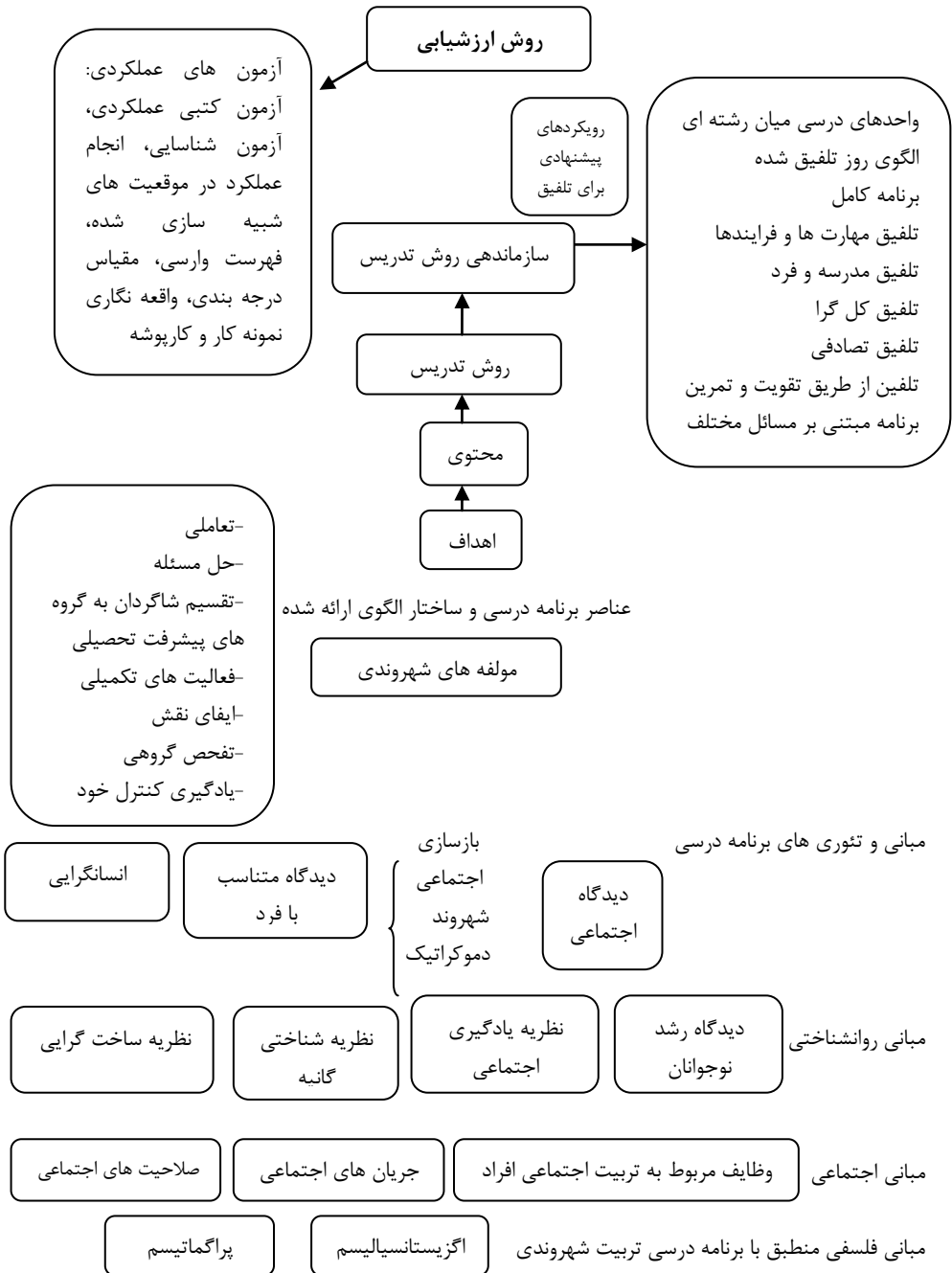
از میان روش‌های مختلف، تعدادی که مناسب با تربیت شهروندی به نظر می‌رسند، معرفی می‌شوند، هر چند که روش‌ها متعددند و بسیاری از آن‌ها پتانسیل استفاده در این برنامه را دارند.

- ۱- **تدریس تعاملی:** تدریسی است که فراتر از کمک به شاگردان به کسب محتوای علمی و مهارت‌ها می‌اندیشد. در این رویکرد علاوه بر توجه به کسب اطلاعات و مهارت‌ها، به فرآیند تفکر و اهداف اجتماعی آموزش، تاکید فراوان شده است (شعبانی، ۱۳۸۳).
- نظریه پردازان تدریس تعاملی بر این باورند که مهارت‌های زندگی از طریق تجارب تعاملی شاگردان، تقویت می‌شوند و آن‌ها با همکاری با دیگران یاد می‌گیرند که به اندیشه‌های یکدیگر احترام بگذارند و علی‌رغم تفاوت‌های قومی نژادی، جنسیتی و ... دوستی خود را گسترش دهند. در این الگو تلاش می‌شود که در تدریس، شکل و پویایی فرآیند مردم‌سالاری با کاوشگری علمی تلفیق شود (همان منبع).
- ۲- **روش مشارکتی:** در این روش که شاگردان در قالب آن به صورت گروهی فعالیت می‌کنند، اعتقاد بر آن است که کودکان با مشاهده و تقلید از رفتار دیگران یاد می‌گیرند که به طور هدفمند حرکت کرده و کوشش‌های خود را با هم هماهنگ سازند (اسلاوین<sup>۱</sup> به نقل از شعبانی، ۱۳۸۳).
- ۳- **روش تفحص گروهی:** دیویی اعتقاد دارد در جامعه‌ای که دموکراسی حاکم است، روش تدریس و آموزش هم باید بر اساس فعالیت‌های جمعی یا گروهی باشد. از این رو هربرت تنن، روش تفحص گروهی را ارائه می‌دهد که هدف آن گسترش روح کار جمعی و فعالیت‌های گروهی از طریق تاکید بر فعالیت‌های همچون تفحص و تحقیق گروهی است (احدیان و آقازاده، ۱۳۷۸).
- ۴- **روش تدریس یادگیری کنترل خود:** از اهداف این روش، حفظ و اصلاح عملکردها و متوجه ساختن فرد به این نکته است که عملکرد وی تحت تأثیر محیط قرار دارد و یادگیرنده باید خود را با شرایط محیطی وفق داده و برای تعامل با آن آماده شود (همان منبع).
- ۵- **روش ایفای نقش:** این روش به دانش‌آموزان کمک می‌کند موقعیت‌های اجتماعی و مسائل خاص بین فردی را تحلیل کنند و قوانین و روابط مردم‌سالاری را بر زندگی خود حاکم سازند (شعبانی، ۱۳۸۲).
- ۶- **ارزشیابی برنامه درسی تربیت شهروندی:** آخرین عنصر بررسی شده از عناصر برنامه درسی تربیت شهروندی، مبحث ارزشیابی و چگونگی آن است.

مهارت های شهروندی بیشتر جنبه مهارتی داشته و همچنین معطوف به تغییرات در حیطه عاطفی هستند؛ بنابراین برای ارزشیابی از مهارت های مذکور، آزمون های شناختی کاربردی محدود داشته و صرفاً جهت مبانی نظری شهروندی مورد استفاده قرار می گیرند، لذا شیوه های اندازه گیری بازده های رفتاری یادگیرندگان در حوزه های روانی حرکتی و عاطفی مناسب به نظر می رسد که به شرح ذیل مورد اشاره قرار می گیرند.

### انواع آزمون های عملکردی

- ۱- آزمون کتبی عملکردی
- ۲- آزمون شناسایی
- ۳- انجام عملکرد در موقعیت شبیه سازی شده
- ۴- نمونه کار (۱۳۸۵)
- ۵- ... و برخی آزمون های کتبی حیطه شناختی



مؤلفه های شهروندی	اهداف	محتوی	نوع درس	روش تدریس	روش های ارزشیابی
۱. به کارگیری تکنولوژی اطلاعات به عنوان یک مزیت مدنی	۱. آشنایی با اهمیت گرد آوری و سازمان دهی اطلاعات ۲. آشنایی با تکنولوژی اطلاعات از جمله اینترنت و کامپیوتر ۳. درک اهمیت تکنولوژی اطلاعات خصوصاً کامپیوتر در زندگی روزمره ۴. شناخت سیستم های معمول کامپیوتر ۵. کسب توانایی در استفاده مؤثر از تکنولوژی اطلاعات برای حل مسائل و استفاده از آنها در زندگی ۶. کسب توانایی در شناخت منابع معتبر از غیر معتبر ۷. کسب توانایی برای به دست آوردن اطلاعات از منابع مختلف	۱. تکنولوژی اطلاعات و چگونگی تاثیر آن بر زندگی ۲. ارتباط متقابل بشر و ماشین ۳. انجام کار با کامپیوتر ۴. انجام کار با اینترنت	(تلفیقی) همه دروس با تاکید بر تعلیمات اجتماعی	-تفحص گروهی -حل مسئله -کار در گروه -های کوچک	-آزمون کتبی عملکرد -انجام عملکرد در موقعیت شبیه سازی شده

نمونه ای از عناصر پیشنهادی برنامه درسی تربیت شهروندی



مولفه‌های شهروندی	اهداف	محتوی	نوع درس	روش تدریس	روش‌های ارزشیابی
توانایی حل تعارض در یک بستر عاری از خشونت	۱. درک ضرورت و اهمیت زندگی در یک جامعه متکثر فرهنگی ۲. کسب مهارت در حل مساله ۳. کسب توانائی در خصوص تحمل اندیشه‌ها و روندهای مخالف فکری ۴. کسب مهارت در زمینه تفکر استراتژیک و دورنگر	۱. انواع تکثر در جامعه ۲. نحوه زندگی با افراد در جامعه متکثر ۳. حل یک تعارض در موقعیت شبیه سازی شده ۴. اجرای حل مساله ۵. اجرای یک نقشه و طرح در قالب گروه‌های متکثر	تلفیقی (همه دروس)	- حل مساله - مشارکتی - بارش فکری - ایفای نقش	- آزمون کتبی - عملکرد - کار پوشه - فهرست واری - آزمون کتبی (حیطه شناختی)

نمونه ای از عناصر پیشنهادی برنامه درسی تربیت شهروندی

### بحث و نتیجه گیری

در زمینه تحقیق حاضر و پاسخ به سوالات آن می توان نتایج زیر را برشمرد. در پاسخ به سوال اول که: چه نظریات و تئوری های برنامه درسی مرتبط با تربیت شهروندی برای دانش آموزان دوره راهنمایی وجود دارد. می توان نتیجه گرفت که تئوری های مرتبط عبارتند از: دیدگاه اجتماعی و رویکردهای فرعی آن (از جمله شهروند دموکراتیک و دیدگاه بازسازی اجتماعی) همچنین دیدگاه متناسب با فردو انسان گرایی. در زمینه پاسخ به این سؤال که مبانی روان شناختی بر نامه درسی تربیت شهروندی برای دانش آموزان دوره راهنمایی کدام نوع است و چه مبانی ای را مطرح می کند: ابتدا ویژگی های رشد دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی (اعم از رشد جسمانی، شناختی، عاطفی، اجتماعی مورد استناد قرار گرفت. سپس نظریه های یادگیری اجتماعی باندورا و ساخت گرایی مطرح شده است.

در خصوص پاسخ به سؤال در زمینه مبانی اجتماعی برنامه درسی تربیت شهروندی به صورت زیر استدلال شده است:

#### ۱-وظایف مربوط به تربیت اجتماعی افراد

شامل جریان های اجتماعی و تعلیم و تربیت (شامل سازگاری، مخالفت، همکاری، توافق و تشابه) است که مبانی اجتماعی بر نامه درسی تربیت شهروندی را تشکیل می دهند. دسته دیگر از مبانی مطرح شده صلاحیت های اجتماعی است، که از جمله صلاحیت های مذکور که مرتبط با مبحث تربیت شهروندی و به عنوان مبانی اجتماعی آن معرفی شده و عبارتند از:

۱-مهارت در به کار بردن روش علمی

۲- مهارت های لازم جهت اجرای وظایف مدنی

۳- معلومات و مهارن های لازم جهت فهم اقوام و ملل

مبانی فلسفی معرفی شده برای برنامه مورد نظر، باتوجه به تعدد فلسفه ها، آن دسته از فلسفه هایی مورد استناد قرار می گیرد که ارتباط بیشتری با برنامه درسی شهروندی دارند. این فلسفه ها عبارتند از پراگما تیسیم و اگزیستانسیالیسم.

در پاسخ به سؤال ۳ که: عناصر الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت شهروندی چه مشخصاتی دارند:

**الف:** هدف و محتوی اهداف در قالب فعالیت شاگردان مطرح شده و بیشتر جنبه عملکردی دارند و در خصوص محتوی نیز به دو صورت روش کاری و دانش بیانی تأکید شده است.

**ب:** روش های تدریس نیز، ایفای نقش، تفحص گروهی، یادگیری کنترل خود، حل مسأله، تعاملی، کار در گروه های کوچک و غیره مناسب این نوع برنامه تشخیص داده شده است.

**ج:** از رویکردهای سازمان دهی عمدتاً تأکید بر رویکرد تلفیقی است که به واحد های درسی میان رشته ای، الگوی روز تلفیق شده، برنامه کامل، تلفیق مهارت ها و فرایندها، تلفیق مدرسه و فرد، برنامه مبتنی بر مسائل مختلف و ... اشاره شده است.

**د:** روش های ارزشیابی مناسب نیز عمدتاً معطوف به روش های اندازه گیری بازده های روانی حرکتی و عاطفی است که شامل آزمون کتبی عملکردی، آزمون شناسایی، انجام عملکرد در موقعیت های شبیه سازی شده، فهرست واری، مقیاس درجه بندی، واقعه نگاری، نمونه کار، کار پوشه و برخی آزمون های کتبی شناختی.

## منابع

- سیف، علی اکبر. (۱۳۸۵)، اندازه گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی ویرایش چهارم، تهران نشر دوران.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۸۴)، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۸۲)، جامعه و تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۸۳)، فلسفه آموزش و پرورش، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- شعبانی، حسن. (۱۳۸۰)، مهارت های آموزشی، تهران، انتشارات سمت.
- صرافی، مظفر و حسین اسماعیل زاده، شهروند مداری راهکاری برای حل مسائل شهری ایران، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال ششم، مهر و آبان ۱۳۸۴.
- فالکس، کیث. (۱۳۸۱)، شهروندی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، نشر کویر.
- فتحی و اجارگاه، کورش. (۱۳۸۲)، ویژگی های شهروند خوب برای جامعه ایران و میزان انطباق برنامه های درسی مدارس با این ویژگی، فصل نامه علوم انسانی.
- فردانش، هاشم. طراحی آموزشی از منظر رویکردهای رفتارگرایی، شناخت گرایی و ساخت گرایی، فصل نامه علمی پژوهشی علوم انسانی، دانشگاه الزهراء شماره های ۲۴ و ۲۵ زمستان و بهار ۱۳۷۷.

- کیامنش، علیرضا. (۱۳۷۹)، *سنجش صلاحیت‌های پایه پنجم دبستان (ارزشیابی درون داد و برون داد)* گزارش تحقیق، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت ۱۳۷۹.
- مهر محمدی، محمود. (۱۳۸۱)، *برنامه درسی، نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم اندازها*، انتشارات آستان قدس رضوی.
- میلر، دیوید. (۱۳۸۱)، «*حقوق بشر و شهروندی مقید به مرز*» راهبرد نشریه مرکز تحقیقات شماره ۲۳ استراتژیک بهار، ۱۳۸۱.
- میلر، جی پی. (۱۳۸۳)، *نظریه های برنامه درسی*، ترجمه مهرمحمدی، تهران، انتشارات سمت.
- نجاتی حسنی، سید محمود. (۱۳۸۰)، *بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری های ایران*، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
- واحد چوکد، سکینه و محمد کاظمی. (۱۳۸۳)، *شهروندی، لازمه شهرنشینی*، تبریز، سمینار علمی تخصصی شهرها و مردم.

- Gumbo, sam (2000). Case studies zambawe. Initiative to develop improved approuche: Life skills. [http: www . Fermshulen. Org/ studies zimbawe/ sikoyo . htm](http://www.Fermshulen.Org/studies zimbawe/ sikoyo . htm)
- Prior,w (2001) citizenship education. Australian experiences SLO. Netherland.
- Tobiasson, M (2000). Clobal citizen ship .Paper presented at European political Research Association copen hagen .
- Turner,Bryan and Hamilton, Thomas (1994). Balancing universalism and diversity. Citizen and learning. Hamburg. Munster.
- Tye, F.(1999). A strategy for global education: in <http://www.findarticles.com>
- Westheimer and kahne (2003). what kind of citizen . political choices and educational goals. Educe. Queens . ca/eoe/westheimer kahne pde